

## رابطه سیاسی ابن سینا و دیالمه

مریم شادمحمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران

### چکیده

بیشتر منابع تاریخی به بررسی زندگی شاهان، شرح جنگها و سلسله‌های تاریخی پرداخته‌اند و زندگی اندیشمندان بزرگی مانند ابن سینا و روابط سیاسی آنها در منابع مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ابن سینا بنا بر روایت شاگردش - جوزجانی - در سال ۳۷۰ ه.ق در قریه خرمشین از روستاهای بخارا زاده شد و تحت آموزش پدرش به مذهب تشیع گرایید. او تا رسیدن به سن جوانی در فراگیری علوم زمان خویش استاد شد.

از نظر سیاسی ابن سینا در دوره پایانی سلسله سامانیان به سر می‌برد. پس از معالجه امیر نوح ابن منصور سامانی آوازه ابن سینا شرق خراسان پیچید و محمود غزنوی که دربارش مزین به شاعران و حکما بود، در صدد جلب وی بر آمد. خودداری ابن سینا از رفتن نزد محمود که به دلیل سیاست‌های ضد شیعی محمود بود، سبب شد وی تا پایان زندگی همواره مورد تعقیب محمود غزنوی باشد. ابن سینا چاره‌ای ندید جز آنکه به دربار حاکمان دیلمی که شیعه بودند، روی آورد. او ابتدا به گرگان نزد قابوس ابن وشمگیر از مردان دانش پیشه عصر و از عمرای زیاری رفت، اما پس از نشستن منوچهر پسر قابوس که از دست نشاندهان محمود بود بر تخت زیاریان، ابن سینا به دربار آل بویه پناه جست و تا زمانی که سیده - زن فخرالدوله دیلمی - حیات داشت، در ری ماندگار شد، وبا مرگ وی سیده، وی را به قصد همدان که به دست دیلمی کاکوس اداره می‌شد، ترک کرد و در این شهر وزارت شمس الدوله کاکویه را پذیرفت و سالها خدمات زیادی به این خاندان نمود، پس از مرگ شمس الدوله، زندگی ابن سینا به مخاطره افتاد، اما با به قدرت رسیدن علاءالدوله کاکویی در اصفهان به این شهر دعوت شد و به دلیل دسیسه‌هایی که مخالفان او در این شهر ترتیب دادند، مدتی در زندان علاءالدوله گرفتار بود. علاءالدوله به اصفهان باز گشت. سر انجام ابن سینا در یک لشکرکشی این امیر دیلمی به شهر همدان در سال ۴۲۸ ه.ق به بیماری قولنج دچار شد و پس از عمری تحقیق و تفحص در دانش‌های موجود زمان خویش در گذشت.

دولت‌های کوچک و شیعی ملک دیلمی روابط دوگانه‌ای را با ابن سینا در پیش گرفتند، آنها هر زمان که به شخصیت معنوی و علمی ابن سینا نیاز داشتند، او را علی‌رغم میل باطنی خویش به وزارت

می‌نشانند و یا جایگاهی در دولت به او می‌دادند. اما به محض رفع مشکلات، از به زندان افتادن وی نیز پرهیز نداشتند.

ابن سینا از شخصیت‌های بزرگ تاریخی و علمی ایران است که نسبت به زمانه خود بسیار جلوتر بود. بنا بر این تمدن ایران و اسلام با مرگ او، یکی از بزرگترین نوابغ خود را از دست داد.

واژگان کلیدی: ابن سینا ، جوزجانی ، سامانیان ، محمودغزنوی ، سیده ، شمس الدوله ، علاء الدوله کاکویه ، وزارت ، زندان ، همدان ، اصفهان ، ری

مقدمه :

موضوع مورد بررسی این جانب در این مقاله " رابطه‌ی سیاسی ابن سینا و دیالامه " می‌باشد. منابع درباره‌ی زندگی ابن سینا بسیار اندک است. مهم‌ترین منبع درباره‌ی زندگی و عصر او، تقریر ابن سینا است که توسط شاگرد حق‌شناس او - جوزجانی - تحت عنوان « سرگذشت » نگاشته شده است، اما قدیمی‌ترین کتابی که درباره‌ی ابن سینا نوشته شده ، کتاب «تتمه صوان الحکمه » است که ابوالحسن علی بن زیدبیهقی - نویسنده‌ی کتاب تاریخ بیهقی - آن را به رشته‌ی تحریر در آورده است. نویسنده‌ی این اثر به بررسی جامعی از زندگی ابن سینا پرداخته است که در کتاب پیشین موجود نیست.

علاوه بر این منابع، این فقطی نیز در کتاب « الحکما » و همچنین « ابن ابی صبیعه » در کتاب خویش به بیان سرگذشت ابن سینا پرداخته‌اند، اگرچه منبع این مورخان، همان روایت جوزجانی است. اثر دیگری که از گزند حوادث مصون مانده و امروزه مورد بررسی محققان قرار گرفته است، « وفیات الاعیان » اثر ابن خلکان می‌باشد. هر چند روایاتی که او ذکر کرده ، مأخوذ از بیهقی است، اما وی به جزئیاتی از زندگی ابن سینا پرداخته است که در منابع دیگر نظر ابن صعبی و ابن قفطی مشاهده نمی‌شود.

از جمله تحقیقات جدیدی که اروپا بیان درباره ابن سینا انجام داده اند، کتابی تحت عنوان «زندگی ابن سینا» اثر «ویلیام گلن» است که آن را بر اساس کتاب « نزهه الأرواح » شهرزوری که توسط ابن احمد کاشی در قرن هشتم هجری نوشته بود، ترجمه نموده است. بنابراین ، کتاب فوق بهترین منبعی است که در حال حاضر درباره زندگی ابن سینا وجود دارد.

درباره زندگی ابن سینا و سرگذشت او تنها روایتی که مبنای بحث و بررسی قرار می‌گیرد، روایت جوزجانی است . بنابراین بیشتر تحلیل‌هایی که سرگذشت ، تحصیلات ، روابط سیاسی، تألیفات و وزارت او را مورد بررسی قرار داده‌اند، بر پایه‌ی همان روایت است و فقط تحلیل محققان در میان آثار نوشته شده متفاوت می‌باشد .

به لحاظ اهمیت عصر سامانی و ارتباط عمیق حاکمیت‌های این دوران و نیز دوران غزنوی و تأثیرات آنها بر زندگی و روابط ابن سینا، محقق ناگزیر است به بررسی ادوار ذکر شده نیز بپردازد.

### عصر ابن سینا از سامانیان تا آل بویه

بنابه روایت جوزجانی، ابن سینا در حدود سال ۳۷۰ هـ. ق، در قریه‌ی خومثین از قرای معروف بخارا زاده شد. ابتدا به آموختن قرآن پرداخت. در این زمان، پدرش در سلک پیروان اسماعیلی در آمد. از این دو در طول دوران زندگی فکری ابن سینا، کلام شیعی در آثار و احوال او مشهود است. ابن سینا پس از فراگرفتن علم حساب به آموختن فلسفه پرداخت. استاد او ابو عبدالله ناتلی نقش بسیاری در پرورش فکری ابن سینا داشت و کتابی فلسفی تحت عنوان «مدخل منطق ارسطو» اثر پرفوریوس - فیلسوف نو افلاطونی - برای او تدریس نمود، اما مدت کوتاهی نگذشت که ابن سینا در این زمینه سر آمد استاد خویش شد و مطالب فراوانی را استنباط نمود. پس از این دوران، ابن سینا به فراگرفتن دانش‌های دیگری نظیر پزشکی پرداخت، به طوری که از پزشکان حادق دوران خویش گشت.<sup>(۱)</sup>

---

<sup>(۱)</sup> دایره العارف اسلامی، کاظم موسوی بجنوردی، ذیل واژه‌ی ابن سینا

با تشکیل حکومت سامانی توسط امیر اسماعیل سامانی، ایران وارد مرحله‌ی جدیدی از تمدن و فرهنگ شد که قابل رقابت با عصر باستانی بود. به دلیل حاکمیت متمرکز و ایجاد عمران و آبادانی در کشور، ثبات در مملکت حاصل شد و دانشمندان و هنرمندان مورد تشویق قرار گرفتند.

ابن سینا نیز محصول عصر ثبات دوره‌ی سامانی است، اگر چه در دوران پایانی زندگی ابن سینا، حاکمیت سامانی به دلیل دخالت امیران ترک متزلزل و با هجوم قراخانیان و سپس غزنویان فروپاشیده شد. تسلط عنصر ترک و تفکر ضد فلسفی و عقلی محمود غزنوی، باعث فرار ابن سینا به سرزمین دیالمه گشت.<sup>(۲)</sup>

ابن سینا پس از معالجه نوح بن منصور سامانی در دربار سامانیان ماند. با هجوم ایلک نصر به بخارا در سال ۳۸۹ هـ، ق بخارا را ترک نمود و به دربار علی بن مأمون خوارزمشاهی راه یافت، اما پس از مرگ این حکمران در سال ۴۰۴ هـ. ق گرگانج را نیز ترک گفت.

به دلیل رابطه‌ی محکم خوارزمشاه با محمود غزنوی، تعدادی از حکما دربار خوارزمشاه - نظیر ابوریحان بیرونی - توسط او به غزنه، نزد سلطان محمود فرستاده شدند، اما ابن سینا و ابوسهل مسیحی از رفتن نزد محمود خودداری کردند. علت این امر را می‌توان در اختلاف مذهبی بین ابن سینا و محمود جستجو کرد. از این زمان (سال ۴۰۴ هـ. ق) تا پایان زندگی محمود غزنوی، تحولات سیاسی و زندگی ابن سینا تحت تأثیر سیاست‌های محمود غزنوی است. محمود به شدت با اسماعیلیان مخالف بوده است. جمله‌ی او که در پاسخ به خلیفه عباسی بر زبان رانده، مشهور است که بیهقی آن را در کتاب خود چنین آورده است: «انگشت به در کرده و قرمطی می‌جوید تا او را بردار کند.»<sup>(۳)</sup>

این جمله نشانه‌ی عمق مخالفت محمود با اسماعیلیان است، به طوری که بعدها پس از فتح ری در سال ۴۲۰ هـ. ق - خوارها کتاب باطنیان را سوزانید و آنان را بر دار کرد.<sup>(۴)</sup>

بنابراین، ابن سینا چاره‌ای نداشت جز این که به دربار دیلمیان شیعی مذهب روی آورد از این رو، پس از طی سرزمین خراسان، به گرگان - پایتخت فرمانروایی آل زیار - گام نهاد، اما در این زمان نیز در حوزه‌ی حکمرانی آل زیار تحولاتی ایجاد شده بود. قصد ابن سینا، پناه جستن به دربار قابوس و شمشگیر بود، اما پس از تسلط منوچهر - فرزند قابوس - بر تخت زیاری، او خود را دست نشانده‌ی، محمود اعلام نمود.

قابوس در دوران حاکمیت خویش، فردی دانشمند و دانشمند پرور بود. از این رو در طول مدت کوتاه رابطه‌ی او و ابن سینا و دانشمندان دیگر چون ابوریحان مورد مهر و محبت او قرار گرفتند.

<sup>(۱)</sup> تاریخ ایران (کمبریج)، ر.ن فرای، جلد ۴، ص ۱۲۰ و ۱۲۵ و تاریخ مردم ایران عبدالحسین زرین کوب، ج ۲، ص ۴۵۰ تا ۵۵۵.

<sup>(۲)</sup> تاریخ بیهقی، به کوشش دکتر فیاض و غنی، ص ۱۲۶.

<sup>(۳)</sup> مجمل التواریخ و القصص، ص ۱۳۶.

اگر چه علت اصلی مرگ قابوس ، کینه جویی او با تفکرات معتزلی و شیعی بوده است ، اما با توجه به تفکر شیعی ابن سینا ، به دلیل دانش فراوان وی ، برای او احترام بسیاری قائل بود .<sup>(۱)</sup> پس از اعلان وفاداری منوچهر به محمود ابن سینا از گرگان خارج شد و به دربار دیالمه‌ی بویی در ری رفت. در این زمان حاکم ری ، فرزندان فخر الدوله بویه بودند که به علت کم بودن سنشان، نیابت سلطنت با سیده زن فخر الدوله بود . پس از ورود ابن سینا به ری - در سال ۳۱۹ هـ . ق - او به دربار بوییان رفت و مجدالدوله را درمان نمود. او همچنان در ری به سر برد، اما پس از مدتی، اوضاع و احوال قلمرو آل بویه به شدت متشنج و گرفتار جنگ های خانگی شده بود.<sup>(۲)</sup> توضیحی درباره‌ی نحوی حاکمیت در عصر آل بویه کاملاً بجاست. آل بویه از ابتدای تشکیل حکومت به دلیل پیوندهای خویشاوندی، پا برجامانند. پس از مرگ نسل اول و دوم، آل بویه دچار جنگ های خانگی شدند و از میان آنها، حکومت های ملوک الطوائفی پدید آمد. اوج نبردهای خانگی در نیمه‌ی اول قرن پنجم هـ . ق است که سر انجام پس از مرگ سیده در سال ۴۲۰ هـ . ق و با هجوم محمود غزنوی به ری خاتمه یافت.<sup>(۳)</sup> با توجه به تحولاتی که با هجوم شمس الدوله به ری صورت گرفت، ابن سینا ناچار شد که از ری خارج شود. او از آن جا به قزوین و سپس به همدان شتافت.

تهدیدهای محمود غزنوی به حاکمان ری را می توان از عوامل مؤثر در خارج شدن ابن سینا از ری بر شمرد. ابن سینا پس از ورود به همدان به خدمت شمس الدوله رفت و پس از معالجه وی، جزو درباریان او محسوب شد و در نبردهای او نیز شرکت نمود.

ابن سینا پس از سال ها آوارگی و فرار از محمود غزنوی، مدت های طولانی در همدان و در دربار کاکویان دیلمی به سر برد . بنابراین، بررسی این دوره از زندگی ابن سینا حائز اهمیت می باشد، زیرا وی بسیاری از آثار علمی خود را در طی این مدت نگاشت و وزارت و وارد شدن او در مسائل سیاسی مربوط به این دوره از حیات وی می باشد .<sup>(۴)</sup> به لحاظ اهمیت این دوره از زندگی ابن سینا و تأمل و تأکید موضوع تحقیق، محقق به بررسی رابطه ی ابن سینا و کاکویان می پردازد.

#### دیالمه‌ی ری ، اصفهان و همدان ( کاکویان )

منشأ اولیه‌ی حکومت دیالمه‌ی مناطق ری ، اصفهان و همدان مربوط به تصرفات رکن الدوله است که در سال ۳۶۶ هـ . ق قلمرو خویش را میان فرزنداناش تقسیم نمود. او اصفهان را به مؤید الدوله و ری و همدان را به فخر الدوله واگذاشت و این

<sup>(۱)</sup> همان ، ص ۱۸۹

<sup>(۲)</sup> تاریخ مردم ایران ، عبدالحسین زرین کوب ، ص ۴۹۱

<sup>(۳)</sup> تاریخ ایران ( کمبریج ) ، جلد ۴ ، ص ۲۱۷ - ۲۶۰ نیز تاریخ غزنویان ، با سورت ، جلد ۱ ص ۱۵۶

<sup>(۴)</sup> دایره المعارف اسلامی ، کاظم موسوی بجنوردی ، ذیل واژه ابن سینا

دو حاکم نیز از برادر بزرگتر خویش، عضد الدوله، تبعیت نمودند. از معروف ترین حاکمان شاخه‌ی رکن الدوله که بعدها در تحولات مرکز و غرب ایران نقش مهمی ایفا کرد، فخر الدوله است.<sup>(۵)</sup>

فخر الدوله در سال ۳۶۶ هـ. ق به عنوان بزرگ خاندان آل بویه حکومت کرد وزارت او بر عهده‌ی صاحب بن عباد بود که فرد مذکور از نظر تفکر سیاسی و اقتدار حکومتی بعدها مورد ستایش وزرای بزرگی چون نظام الملک قرار گرفت. فخر الدوله با کمک وزیر مذکور توانست دامنه‌ی تصرفات خویش را گسترش دهد و حتی شاهزادگان کوچک بویی را پس از مرگ عزالدوله زیر فرمان خویش در آورد.

پس از مرگ او که در سال ۳۷۸ هـ. ق صورت پذیرفت، سلطنت به مجدالدوله تعلق گرفت، اما به دلیل سن کم او، نیابت سلطنت را سیده - همسر فخرالدوله - بر عهده گرفت.

مجد الدوله - بزرگترین فرزند فخر الدوله - از سال های ۳۸۷ هـ. ق تا ۴۲۰ هـ. ق حکومت کرد. پایان سلطنت او در حقیقت پایان حکومت آل بویه در ری، همدان و اصفهان محسوب می شود.

او در زمانی که بیش از چهار سال نداشت، به حکومت رسید. ابن سینا در طی زمانی که مجدالدوله هنوز قدرت را در دست نگرفته بود، نزد او و مادرش شتافت و مدتی نزد آنان به سر برد.

مجد الدوله پس از آن که به حد رشد رسید، از فرمان مادرش سر پیچی نمود، لیکن سیده ابتدا به قلعه‌ی طبرک رفت و با مساعدت بدربن حسنویه توانست به همراهی پسر دیگرش شمس الدوله که در همدان حکومت می کرد، در سال ۳۹۷ هـ. ق دوباره به ری باز گردد و حکومت را به دست آورد.

مجد الدوله توسط مادرش عزل شد و شمس الدوله جانشین او گردید. پس از مدتی بین سیده و شمس الدوله اختلاف ایجاد شد. سیده دوباره مجدالدوله را به امارت نشانید. مجدالدوله تا سال ۴۲۰ هـ. ق در ری حکومت می کرد تا این که مادرش درگذشت و سپاهیان از او سرپیچی نمودند و او به سلطان محمود غزنوی پناهنده شد.

سال بعد، سلطان محمود شخصاً به ری آمد و مجدد الدوله را روانه‌ی غزنه نمود. سلطان محمود با این اقدام خویش، پایان فرمانروایی دیالمه بر ری و همدان را اعلام نمود.<sup>(۱)</sup>

فرزند دیگر فخر الدوله شمس الدوله است که بین سال های ۳۸۷ هـ. ق تا ۴۱۲ هـ. ق پس از درگذشت پدرش فخر الدوله به فرمان مادرش سیده در همدان و کرمانشاه حکومت می کرد. در سال ۴۰۵ هـ. ق او توانست منطقه‌ی تحت سیطره‌ی بدربن

<sup>(۵)</sup> تاریخ ایران (کمبریج)، جلد ۴، ص ۲۵۲ و ۲۵۳

<sup>(۱)</sup> الکامل فی التاریخ ابن اثیر، ذیل حواد سال ۴۲۰ هـ. ق

حسنویه را جزو قلمرو خویش نماید. در این سال، بنا به گزارش ابن اثیر، اتفاقات اساسی در قلمرو حکومت مجدالدوله روی داد و محمود غزنوی به تهدید قلمرو مجدالدوله پرداخت.<sup>(۲)</sup>

از این رو، ابن سینا مجبور به ترک ری شد و به همدان روی آورد.

خواندمیر معتقد است که انگیزه‌ی سلطان محمود در تصرف ری و قزوین عامل اصلی انگیزه‌ی ابن سینا برای ترک ری بوده است.<sup>(۳)</sup>

ابن سینا پس از ورود به همدان، بلافاصله برای درمان شمس الدوله شتافت و بیماری قولنج وی را معالجه کرد و مدتی نیز در دربار او به سر برد. در طی مدتی که ابن سینا دربار شمس الدوله به سر می برد، در شمار نزدیکان او درآمد و خلعت های فراوانی یافت.<sup>(۴)</sup>

پس از مدتی، شمس الدوله برای نبرد با عناز، به کرمانشاهان (قرمیسین) لشکر کشید. حسام الدین اوشوک عناز از رؤسای قبیله‌ی شاذنجان که در منطقه‌ی ما بین کوههای کرمانشاه و قصر شیرین حکومت داشت، پس از شکست هلال بن بدر دست شمس الدوله بر آن شد تا برای جلوگیری از پیشروی عناز به منطقه‌ی مذکور لشکر کشد. در این نبرد، ابن سینا نیز همراه وی بود، اما شمس الدوله شکست خورد و به همدان بازگشت.<sup>(۱)</sup>

شمس الدوله پس از شکست در واقعه‌ی مذکور، ابن سینا را به وزارت برگزید.<sup>(۲)</sup> اما مدتی بعد از وزارت ابن سینا نگذشت که سپاهیان از سوی ابن سینا احساس خطر کردند و خانه‌اش را محاصره نموده، همه‌ی دارایی او را به تاراج بردند و از شمس الدوله خواستار کشتن وی شدند، اما شمس الدوله از این کار سر باز زد و از ابن سینا خواست تا از دستگاه دولت دور شود.

بنابراین، ابوعلی به مدت چهل روز در خانه‌ی شخصی به نام ابوسعید بن خدوک پنهان بود تا بار دیگر به وزارت منصوب شود.<sup>(۳)</sup>

---

(۱) همان، ذیل حوادث سال ۴۰۵ هـ. ق

(۲) حبیب السیر، خواندمیر، ص ۲۸ و ۲۹.

(۳) تاریخ مردم ایران، عبدالحسین زرین کوب، ج ۲، ص ۴۹۳

(۴) الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ذیل حوادث سال ۴۰۶ هـ. ق

(۱) تاریخ ادبیات ایران، ذیح الله صفا، جلد ۱، ص ۲۰۳

(۲) همان، ص ۳۰۶

شمس الدوله پس از آن که دوباره به بیماری قولنج مبتلا شد، ابوعلی را احضار نمود و ضمن به دست آوردن توجه او، او را دوباره به وزارت گماشت. در طی این دوران، ابوعلی سینا توانست کتاب «طبیعیات» را بنگارد و با توجه به زندگی آرامی که در پیش گرفته بود، هم به وزارت شمس الدوله رسیدگی می نمود و هم به تربیت دانشجویان می پرداخت.

در طی این نُه سال، او توانست آثار علمی فراوانی را ارئه و بخشی از عمر خویش را نیز به وزارت شمس الدوله اختصاص دهد. شغل اصلی ابن سینا در این دوران، در حقیقت همان وزارت شمس الدوله بود در این زمان ( سال ۴۱۲ هـ. ق ) شمس الدوله مهبای نبرد با امیر طارم گردید. در این زمان، امیر طارم ابراهیم بن مرزبان و همسورانی بود که مناطق طارم را پس از مرگ فخر الدوله تا زمان هجوم محمود در تصرف خویش داشت. هنگامی که سپاهیان شمس الدوله به طارم نزدیک شدند، شمس الدوله دچار بیماری قولنج و امراض دیگر گشت. سپاهیان از بیم مرگ وی، او را به همدان باز گرداندند، اما در راه - در سال ۴۱۲ هـ. ق - در گذشت.<sup>(۴)</sup> پس از مرگ شمس الدوله سپاهیان پسرش به نام سماء الدوله را به حکومت بر گریه کردند. او از ابن سینا خواست تا وزارت وی را بپذیرد. اما ابوعلی از این اقدام سرباز زد و پس از مدت دو سال، علاءالدوله کاکویه توانست همدان را ضمیمه‌ی فرمانروایی خویش نماید. از این زمان به بعد، نشانه های انحطاط آل بویه به چشم می خورد. در این زمان، ابن سینا صلاح خویش را در آن دید که مخفی شود.

#### ابن سینا و علاء الدوله کاکویه

ابوعلی سینا پس از آن که مدتی آواره بود، در خانه‌ی مردی به نام ابوغالب عطاری می زیست. در همین زمان بود که او بخش‌هایی از کتاب خود را به پایان رساند و پنهانی با علاءالدوله کاکویه دشمن‌زیر معروف به کاکویه - فرمانروای اصفهان - مکاتبه مینمود. علاءالدوله از سوی سیده - از سال ۳۹۸ هـ. ق - فرمانروای اصفهان شده بود و از خویشاوندان آل بویه محسوب می شد پدرش دایی سیده همسر فخر الدوله بود و به همین جهت، آنان را کاکویه ( کاکوی = دایی ) می خوانند. وی تا سال مرگش ( ۴۳۲ هـ. ق ) بر اصفهان حکومت می کرد. به واسطه‌ی ارتباطی که میان علاءالدوله و ابن سینا ایجاد شده بود، علاءالدوله از ابن سینا خواست که به دربار وی به اصفهان رود. پس از چندی، تاج الملوک کوهی - وزیر سابق شمس‌الدوله که وزیر سماء الدوله نیز بود، ابن سینا را متهم کرد که با علاء الدوله ارتباط دارد. از این رو، مخفی گاه ابن سینا را پیدا نمودند و او را در قلعه‌ی فردجان واقع در فراهان کنونی زندانی کردند. ابن سینا مدت چهار ماه در این قلعه به سر برد تا این که علاءالدوله برای تصرف همدان به آن شهر روی آورد. در نبردی که میان آن دو روی داد، تاج الملک که خود از رهبران سپاه کرد سماء الدوله بود، علاء الدوله را به گلپایگان عقب راند.

---

<sup>(۴)</sup> الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ذیل حوادث سال ۴۱۲ هـ. ق.



در نبرد بعدی، تاج الملک توانست سماءالدوله را شکست دهد. علاء الدوله نیز خود را تسلیم وی نمود. پس از این نبرد که در سال ۴۱۴ هـ. ق وی داد، علاء الدوله به همراه سماء الدوله به قلعه‌ی فردجان رفت. تاج الملک تسلیم او شد و به همراه ابن سینا به همدان باز گشتند و در منزل فردی علوی سکنی گزیدند.<sup>(۱)</sup>

ابن سینا پس از آن که توسط علاء الدوله آزاد شد، مدتی در همدان بود. اما پس از اندکی مصمم شد که همدان را ترک کند و به اصفهان برود. او به همراه شاگرد وفادارش - جوزجانی - پس از تحمل مشقت‌های فراوان توانستند به اصفهان برسند. نزدیکان علاء الدوله با آگاه شدن از ورود آنها، به پیشوازشان آمدند. ابن سینا از این زمان (۴۱۴ هـ. ق) تا پانزده سال از نزدیکان علاء الدوله به شمار می‌رود که فردی دانشمند، دانش دوست و دانش پرور بود. شبهای جمعه در حضور وی مجالس مناظره برپا می‌شد که و ابن سینا و دانشمندان دیگر در آن شرکت می‌کردند. علاوه بر مسائل علمی، ابن سینا در جنگ‌ها و سفرها نیز همراه علاء الدوله بود. در سال ۴۱۲ هـ. ق سپاهیان مسعود غزنوی توانستند علاءالدوله را از اصفهان بیرون کنند. آنها خانه‌ی ابن سینا را به غارت بردند و اموال و کتاب‌های او را به غزنه فرستادند. این اموال و کتاب‌ها بعدها در حمله‌ی علاءالدین غوری به آتش کشیده شد.<sup>(۲)</sup>

پس از خراج شدن سپاهیان غزنوی از اصفهان علاءالدوله توانست بر اصفهان مسلط شود و تا آخر عمر فرمانروای آنجا باقی‌ماند. ابن سینا نیز همچنان در اصفهان روزگار می‌گذراند.

در سال ۴۲۷ هـ. ق، هنگامی که علاءالدوله به نبرد با تاش‌فراش و سالار مسعود در نزدیکی همدان پرداخت، ابن سینا که از همراهان وی بود، به بیماری قولنج دچار شد و خود را درمان نمود، اما دوباره بیماری او شدت یافت تا این که ناچار شدند او را با همان حال بیماری به اصفهان ببرند. در آنجا به مداوای خویش پرداخت.

پس از آن که علاءالدوله مجدداً قصد همدان نمود، ابن سینا نیز او را همراهی کرد. اما در راه بیماری او شدت یافت و پس از رسیدن به شهر همدان در روز جمعه ماه رمضان سال ۴۲۸ هـ. ق / ۱۰۳۷ م. در ۵۸ سالگی در گذشت. پس از مرگ وی، شاگردش جوزجانی، زندگی استاد را که بخشی خود ابوعلی تقریر نموده بود و بخش دیگری حاصل مشاهدات او بود، به رشته‌ی تحریر کشید.<sup>(۳)</sup>

## نتیجه

ابن سینا یکی از شخصیت‌های بسیار مهم در عصر طلایی تاریخ ایران و اسلام به شمار می‌رود. به جهت گستردگی دانش و اقدامات وی در همه‌ی عرصه‌های علمی، اجتماعی محقق قادر به بررسی همه‌ی جوانب این حوزه‌ها نمی‌باشد، بنابراین

<sup>(۱)</sup> الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ذیل حوادث سال ۴۰۴ هـ. ق.

<sup>(۲)</sup> تاریخ بیهقی، به کوشش دکتر فیاض رغبی، ص ۱۲-۱۶.

<sup>(۳)</sup> دایره المعارف اسلامی، کاظم موسوی بجنوردی، ذیل واژه ابن سینا

پرداختن به زندگی سیاسی، اجتماعی و علمی این متفکر بزرگ، بیشتر تحت الشعاع مسائل علمی اوست، زیرا اشتهار ابن سینا به دانش و فضایل اخلاقی سبب شد تا همواره مورد توجه دستگاه های حکومت قرار گیرد.

او به دلیل حاذق بودن در مسائل علم پزشکی مورد توجه دربار سامانی قرار می گیرد. همین عامل موجب می شود تا دربار مناطق دیگر اسلامی، ابن سینا را به طرف خود جلب نماید. گرایش های مذهبی و شیعی ابن سینا سبب شد تا همواره به صورت فیلسوفی آواره میان شهرها سرگردان باشد.

سلطان محمود غزنوی پس از آن که سامانیان را منقرض نمود، در صدد جلب ابن سینا بر آمد، اما داعیهی ضد فلسفی و ضد شیعی محمود موجب شد ابن سینا به دربار دیلمیان در ری، همدان و اصفهان بیوندد. بنابراین مهم ترین دوران علمی و نتیجه گیری ابن سینا از کارهایش، مربوط به زندگی او در همدان و اصفهان است. دیلمیان اگر چه خود شیعی بودند. اما حاکمیت شیعی در مملکت خود بر قرار نکردند و با پیروان اکثر ادیان نیز با مهربانی و تساهل برخورد می نمودند، اما با ابن سینا رفتاری توأم با احترام داشتند و به او مناصب نظامی و دولتی بسیاری عطا کردند. اگر چه ابن سینا فردی سیاسی نبود، اما توانست سال ها منصب وزارت را در دستگاه شمس الدوله بویی و علاءالدوله کاکویی \_ که از تخم و ترکه ی دیلمیان بودند \_ بر عهده گیرد. سرانجام با آن ابن سینا درگیر مسائل دولتی و دیوانسالاری در دستگاه علاءالدوله بود، اما به دلیل آرامشی که علاء الدوله برای وی فراهم کرده بود، توانست بخش اعظم مطالعات خویش را به پایان آورد و تتمه ی کتاب های خود را نیز به پایان رساند.

با مرگ ابن سینا، در حقیقت آخرین ستاره ی بزرگ خردگرایی در جهان اسلام افول کرد و ایران یکی از بزرگترین متفکران خویش را از دست داد.

### فهرست منابع :

- (۱) ابن اثیر ، الکامل فی التاریخ ( تاریخ بزرگ ایران و اسلام ) ، ترجمه ابوالقاسم حالت ، علمی و فرهنگی ، چاپ اول ، ۱۳۶۸ .
- (۲) فرای . ر . ن ، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان ، ترجمه‌ی حسن انوشه ، پژوهش دانشگاه کمبریج ، تهران ، امیر کبیر ، چاپ اول ، ۱۳۷۲ .
- (۳) صفا ، ذبیح الله ، تاریخ ادبیات در ایران ، تهران ، فردوسی ، چاپ اول ، ۱۳۷۱
- (۴) زرین کوب ، عبدالحسین ، تاریخ مردم ایران ، تهران ، امیر کبیر ، چاپ اول ، ۱۳۷۲
- (۵) با سورت ، تاریخ غزنویان ، ترجمه‌ی حسن انوشه ، تهران ، امیر کبیر ، چاپ اول ، ۱۳۷۲
- (۶) عمادزاده اصفهانی ، حسین ، تاریخ مفصل اسلام و تاریخ ایران بعد از اسلام ، تهران ، کتابفروشی اسلام ، چاپ اول
- (۷) پرویز ، عباسی ، تاریخ دیالمه و غزنویان ، تهران ، وزارت فرهنگ و هنر ، چاپ اول ، ۱۳۲۶
- (۸) دایره المعارف اسلامی ، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۸۲
- (۹) حلبی ، علی اصغر ، تاریخ فلاسفه ایرانی ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۵۶
- (۱۰) خواندمیر ، غیاث الدین ، حبیب السیر ، تهران ، خیام ، چاپ اول ، ۱۳۴۵
- (۱۱) بیهقی ، ابوالفضل ، تاریخ بیهقی ، به کوشش فیاض و غنی ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۲۴
- (۱۲) نویسنده نامعلوم ، مجمل التوارخ و القصص ، به کوشش محمد تقی بهار ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۱۸